

مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹
(از ص ۱۶۵ تا ص ۱۸۶)



[10.22059/jarcs.2020.201805.142572](https://doi.org/10.22059/jarcs.2020.201805.142572)
Print ISSN: 2676-4288- Online ISSN: 2251-9297
<https://jarcs.ut.ac.ir>

An Analysis of the Origin of the Images of Mythological Animals on the Artworks of the Sassanid Period with an Emphasis on Rock Reliefs, Stuccos and Seals

Nafiseh Sedaghat

PhD student in Archeology, Islamic Azad University, Science and Research Branch

Gholamali Hatam

Professor, Department of Archeology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch

Aliasghar Mirfatah

Assistant Professor, Department of Archeology, Islamic Azad University, Science and Research Branch

Reza Shabani Samghabadi

Professor, Department of Archeology, Islamic Azad University, Science and Research Branch

Received: 18 May, 2018; Accepted: 21 September, 2020

Abstract

During the Sassanid period, countless artworks have been created by artists that include types of motifs. The study of animal designs takes two forms: 1- Real animals, 2- Mythical and mixed animals, and understanding the symbolic and mythical meanings of each one in this research. The question of the research is, what animals real or mythical and combined are involved in the rock reliefs, filets, and seals of the Sassanid period, and what are the concepts of these animals and which of these three works of art does each of these motifs have? The purpose of the research is to obtain concepts and categorize these animals in three types of rock reliefs, filets, and seals of the Sassanid period. As a result, the research is presented in a tabular form which shows that these elements are related to the astronomical, cosmic, Zoroastrian, and mythological concepts of Iran. The use of numerous animal designs for the manifestation of the gifts and blessings of life expressed in the form of visual arts by the artist and the Sassanian artist in symbolic roles is reluctant to express the reality, but his aim is to look after the scenes. In general, as we get closer to the end of the Sassanian period from the ancient times, the number of works with the role of mixed beasts and their godliness is diminished and associated more with Iranian mythology. Illustration in Sassanid art is of special importance according to the perspective in ancient Iran.

Keywords: *Sasanian period, symbol, animal images, rock reliefs, filets, seal*

تحلیل و بررسی نقوش جانوری نمادین و اسطوره ای دوره ساسانی (با تاکید بر نگارکندها، گچبری‌ها و مهرها)

نقیسه صداقت*

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

غلامعلی حاتم

استاد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

علی اصغر میرفتاح

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

رضا شعبانی صمغ آبادی

استاد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

چکیده

دوره ساسانی آثار هنری بی‌شماری توسط هنرمندان خلق شده است که شامل انواع نقوش می‌باشد که در این پژوهش به بررسی نقوش حیوانی به دو صورت ۱- جانوران حقیقی ۲- جانوران اسطوره‌ای و ترکیبی و پی‌بردن به مفاهیم نمادین و اسطوره‌ای هر کدام می‌پردازد و سوال اصلی پژوهش این است که از کدام جانوران به صورت حقیقی و یا اسطوره‌ای و ترکیبی در نگارکندها و گچبری‌ها و مهرها استفاده شده و مفاهیم نقوش هر یک در دوره ساسانی چه می‌باشد و هر کدام از این نقوش در کدام یک از این سه آثار هنری وجود دارد؟ هدف پژوهش به دست آوردن مفاهیم نمادین و اسطوره‌ای و دسته‌بندی کردن این حیوانات در سه نوع آثار نگارکنده، گچبری و مهرهای دوره ساسانی می‌باشد. در نتیجه پژوهش به صورت جدولی در آورده شده است که نشان می‌دهد این نقش‌مایه‌ها با مفاهیم نجومی، کیهانی، زرتشتی و اساطیر ایرانی ارتباط دارند. به کارگیری نقوش جانوری متعدد به خاطر تجلی نویدها و نعمت‌های زندگی بوده است که به شکل استعاره‌های بصری توسط هنرمند بیان شده است و هنرمند دوره ساسانی در نقش‌های نمادین تمایلی به بیان واقعیت موجود ندارد بلکه هدفش پرداختن به پس پرده است. به طور کلی هر چه از زمان باستان به اواخر دوره‌ی ساسانی نزدیک‌تر می‌شویم، تعداد آثار با نقش‌مایه‌ی جانوران ترکیبی و نیز از جنبه خداگونه بودن آن‌ها کاسته می‌شود و بیشتر با اساطیر ایرانی پیوند می‌یابند. تصویرپردازی در هنر ساسانی با توجه به دیدگاه در ایران باستان اهمیت خاصی می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: دوره ساسانی- نماد- نقوش جانوری- نگارکندها- گچبری‌ها- مهرها

۱. مقدمه

تمدن ساسانی از عرصه‌های مهم هنری ایران باستان می‌باشد. هنر این دوره، هنری درباری و مجلل بوده و تا حدودی ادامه دهنده سنت‌های هنری هخامنشیان نیز بوده و از طرفی تأثیرات هنر اشکانی را نیز داشته‌است. هنرمند، برای بیان مفاهیم ماورایی و مفاهیمی که با زبان ساده قادر به بیان آن نیست، از نمادگرایی استفاده می‌کند و برای ترجمان این زبان رمزین و نمادین باید به اسطوره‌های متداول در آن عصر رجوع کرد و سعی در شناخت آن‌ها داشت. (دادور و منصوری، ۱۳۸۵: ۶۳)

در مورد نقوش جانوری نگارکندها و گچ‌بری‌ها و مهرهای ساسانی باید گفت که ارتباط مستقیمی با اسطوره‌ها و آیین‌های مردم آن زمان داشته‌است. بر این اساس در دوره ساسانی نیز هجده عظیم نقوش جانوری اسطوره‌ای و نمادین را می‌توان به نحوی در تعامل با باورهای مذهبی مردم و نزدیکی دین و دولت در آن بازه تاریخی دانست. اهمیت جانوران تزیین شده و نقش‌مایه‌های نمادین در هنر ساسانی موضوعی است که هنوز نیاز به اندیشه بیشتری دارد (کرتیس، ۱۳۸۹: ۱۱۲ - ۱۱۱). نقوش جانوری در آثار نگارکنند و گچ‌بری و مهرهای دوره ساسانی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد که این جانوران به صورت منفرد و یا ترکیبی نقش شده‌اند و عبارتند از: ۱- جانوران حقیقی ۲- جانوران اسطوره‌ای و ترکیبی

جانوران حقیقی عبارتند از: گاو، اسب، شیر، گوزن، گراز، شتر، خرگوش، عقرب، سگ، گرگ، فیل، قوچ، بزکوهی، خرس، ماهی و پرندگانمانند اردک، کلاغ، خروس، طاووس و عقاب.

جانوران اسطوره‌ای و ترکیبی عبارتند از: لاماسو، سیمرغ، اسفنگس، گریفین، اسب بال‌دار، شیربال‌دار، قوچ بال‌دار

هدف پژوهش به‌دست آوردن مفاهیم و دسته‌بندی کردن این حیوانات در سه نوع آثار نگارکنند، گچ‌بری و مهرهای دوره ساسانی می‌باشد و سوال اصلی تحقیق این است که از کدام جانوران به‌صورت حقیقی و یا اسطوره‌ای و ترکیبی در نگارکندها و گچ‌بری‌ها و مهرها استفاده شده و مفاهیم نقوش هر یک در دوره ساسانی چه می‌باشد و هر کدام از این نقوش در کدام یک از این سه آثار هنری وجود دارد؟

۲. روش پژوهش

این پژوهش بر اساس هدف، از نوع تحقیقات بنیادی - نظری است و بر اساس ماهیت و روش، از نوع تحقیقات تاریخی-تطبیقی است. در این پژوهش قراین تاریخی و شواهد باستان‌شناختی به‌منظور حصول نتایج علمی و منطقی با یکدیگر مطابقت داده شده‌است. گردآوری اطلاعات در این تحقیق نیز به شیوه اسنادی (کتابخانه‌ای) می‌باشد. با توجه به اینکه مساله مورد پژوهش بسیار گسترده بوده و مطالب و اسناد پراکنده بوده‌است، در این تحقیق سعی گردیده نقوش جانوران به‌کار رفته در آثار نگارکنند، گچ‌بری و مهرهای دوره ساسانی در قالب جدولی به‌همراه مفاهیم آن‌ها به‌دست آید. نگارنده با کمک این روش در این پژوهش، سعی در ارائه ارزیابی و دسته‌بندی از نقوش جانوری به‌کار رفته در نگارکندها و گچ‌بری‌ها و مهرهای دوره ساسانی دارد.

۳. پیشینه تحقیق

در رابطه با نگارندها و گچبری‌ها و مهرهای ساسانی، پژوهش‌هایی توسط محققان ایرانی و خارجی صورت گرفته‌است. این پژوهش از آن جهت تازه و قابل اهمیت است که به بررسی نقوش جانوری حقیقی و اسطوره‌ای و ترکیبی به کار رفته در آثار نگارندها، گچبری و مهرهای ساسانی می‌پردازد و مفاهیم هر کدام را به دست آورده و در جدولی ارایه می‌کند.

قابل ذکر است که در رابطه با نگارندها و گچبری‌ها و مهرهای ساسانی، محققان بسیاری کار کرده‌اند که می‌توان به فیلیس اکرمین و آپم پوپ (۱۳۸۷)، ایدت پرادا (۱۳۹۱)، گیرشمن (۱۳۹۰)، روبل گوبل (۱۳۸۴)، برونر (۱۹۸۰)، بیوار (۱۹۷۲)، لوکونین (۱۳۶۵) و هارپر (۱۳۶۹) اشاره کرد که هر کدام سعی در شناسایی نقش و کارکرد آن‌ها در دوره ساسانی داشته‌اند. هم‌چنین در این زمینه پژوهش‌هایی در قالب پایان‌نامه و مقاله نیز توسط پژوهش‌گران ایرانی صورت گرفته‌است که از جمله در رابطه با مهرهای ایران باستان، مصباح اردکانی و ابوالقاسم دادور (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان: «نقش‌مایه زن بر روی مهرهای ایران از دوره پیش خطی تا پایان دوره ساسانی»، به نقوش زن و جایگاه زن بر روی مهرهای دوره ساسانی پرداخته‌اند.

آرتور کریستین سن در کتاب ایران در زمان ساسانیان خود به این نتیجه رسیده‌است که ظهور ساسانیان در ایران علاوه بر ایجاد تحول سیاسی دگرگونی مذهبی را نیز به همراه داشته‌است (کریستین سن، ۱۳۶۷: ۱۴۳). دکتر موسوی حاجی و دکتر علی اکبر سرافراز در کتاب نقش برجسته‌های ساسانی، نقش برجسته‌های ساسانی را از دیدگاه نوع صحنه و بر اساس تقدم و تأخر زمانی مورد مطالعه قرار داده‌اند (موسوی حاجی و سرافراز، ۱۳۹۵).

۴. معرفی نگارندها و گچبری‌ها و مهرهای ساسانی

۴-۱. نگارندها

نگارندهای ساسانی اکثراً نمادین هستند و بیشتر آن‌ها را همواره می‌توان با تابلوی اعلانات یکی دانست. آن‌ها پیام نسبتاً ساده‌ای را در مقیاسی بزرگ در مکان عمومی مناسبی، با هدف تاثیرگذاری بر رهگذران نمایش می‌دهند (کرتیس، ۱۳۸۹: ۵۹).

از حدود سی و پنج نگارندها در دوره ساسانی یک نگارندها در رگ بی بی افغانستان، یک نگارندها در شهر ری استان تهران، یک نگارندها در استان آذربایجان و شهر سلماس، پنج نگارندها در استان کرمانشاه و در محل معروف به تاق بستان و ۲۷ نگارندها دیگر در استان فارس و در محل‌های مختلف: فیروزآباد، نقش‌رجب، نقش‌رستم، بیشاپور، تنگ قندیل، گوئیوم، برم دلک، سرمشهد، سراب بهرام و دارابگرد حجاری شده‌اند.

۴-۲. گچبری‌ها

در دوره ی ساسانی گچ‌کاری و گچبری مقام مهمی در هنر تزیین داشته‌است. در هنر گچ‌بری ساسانی نیز تصورات و اعتقادات عصر، راهنمای هنرمند بوده و بیشتر آن‌چه در تزیینات گچبری بر دیوارها نقش می‌بست نماینده‌ی باورها و نگرش‌های مردمان نسبت به جهان هستی بود که خواه‌ناخواه مفاهیم و تصورات بنیادی مردمان را با نشانه‌ها و اشکال نمادین به نمایش می‌گذاشت (خالدیان، ۱۳۸۷: ۲۲). از دوران حکومت ساسانی، آثار فراوانی در دست است که بی‌تردید نشانگر روحیات هنری و خلاقیت ذهنی هنرمندان در آن عصر می‌باشد. از

جمله محل‌های باستانی گچبری در این دوره: بندیان درگز- کیش- تیسفون- بیشاپور- تپه‌حصار - تپه‌میل- تخت‌سلیمان- جزیره خارک- سیمره- چال‌ترخان عشق آباد- نظام آباد- حاجی آباد- شوش- قصرابونصر- کاخ فیروزآباد- هونگ نوروزی و قلعه هزار می‌باشد.

۳-۴. مهرها

در دوره ساسانی، حکاکی بر روی سنگ‌های نفیس و یا نیمه‌نفیس بسیار مرسوم بوده است و مهرها مورد استعمال عامه مردم بوده‌اند به‌عنوان گواهی و سند معاملات بازرگانی در آرشیو، نگهداری می‌گشته‌اند (huff, 1987: 378). مهرها از دوره سلطنت قباد اول رواج پیدا کرده‌است و از نظر شکل، مهرهای اداری بزرگ‌تر از مهرهای غیر اداری بوده‌اند (perkhanian, 1997: 214). اغلب مهرها و گل‌مهرهای ساسانی از چندین انبار مهم کشف شده‌است از جمله: قصر ابونصر در نزدیکی شیراز که از آن در حدود ۵۰۲ قطعه مهر به‌دست آمده، تخت سلیمان در آذربایجان در حدود ۳۰۰ مهر منتشر شده، از آق‌تپه یا ابیورد قدیم در ترکمنستان در حدود ۳۰ مهر، از تپه کبودان در گرگان بیش از ۶۰ مهر، از سیمره و همچنین در یک انبار در دویین ارمنستان بیش از ۱۰۰ مهر گلی پیدا شده‌است. سایت‌های جدید حاوی مهرها و اثر مهرها از ارمنستان در سال‌های اخیر نیز کاوش شده‌است. لازم به ذکر است که این مهرها متعلق به دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی می‌باشند (گوبل، ۱۳۸۴، و Thompson, 1976).

۵. نقوش جانوری

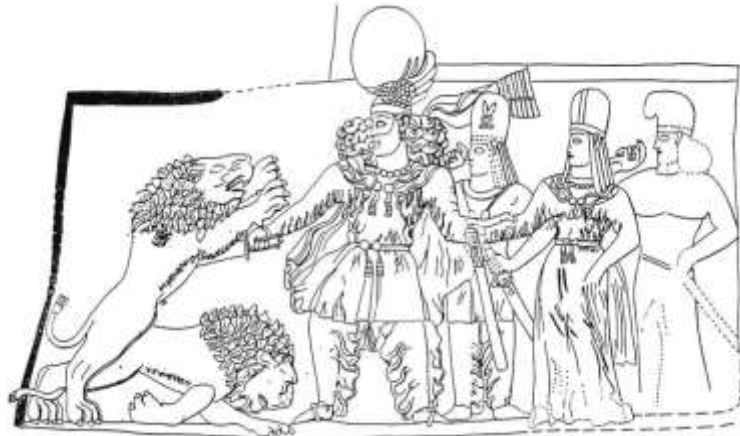
۵-۱. نقوش جانوران حقیقی

۵-۱-۱. شیر

شیر نماد سلطنت، نیروی شمسی و نور است (کوپر، ۱۳۸۰: ۲۳۵) شیر در باورهای قومی و اساطیری، نشان‌گر باروری زمین محسوب می‌شود. از معناهای سمبلیک شیر می‌توان: آتش، ابهت، پارسایی، دلاوری، سلطنت، سببیت و مراقبت را نام برد (دادور و منصور، ۱۳۸۵: ۷۴). روی مهرهای مسطح قصر ابونصر فارس و تخت سلیمان و مجموعه مقدم و گچبری‌ها از دوره‌ی ساسانی نقش شیر هم دیده می‌شود. نقش این جانور در آثار ساسانی به فراوانی دیده می‌شود که به‌صورت منفرد و یا دو سر شیر روبه‌روی هم و در مواقعی به‌صورت جانوری بال‌دار و همچنین در حال نبرد با انسان نیز دیده می‌شود (کرتیس، ۱۳۸۹: ۱۸۱). این حیوان در مهرپرستی نقشی را ایفا می‌کند (گوبل، ۱۳۸۴: ۶۰). به عقیده مهرداد بهار شیر با مرگ مرتبط است و فائق آمدن بر شیر یعنی زندگی مجدد؛ همچنین این حیوان با خورشید و شهریاری و نیز زروان مرتبط می‌باشد و مظهري از خورشید به‌شمار می‌رفته‌است (بهار، ۱۳۸۶: ۱۸۳). ترومپلمن موضوع شکار شیر در نقش برجسته سرمشهد را نمادی از عظمت سلطنت بهرام دوم می‌داند (Trumpelmann, 1975: 116). (تصویر ۱)

به عقیده بیوار رایج‌ترین نقش‌مایه حیوانی که روی مهرهای ساسانی ظاهر می‌شود، شیر است. این حیوان از طرفی در نمادشناسی مهرپرستی رومی دیده می‌شود و از سویی داشتن پیوستگی با میترا نیز روی مهرهای ساسانی تعجب برانگیز نیست (Bivar, 1969: 26). نکته‌ی بعدی، ارتباط نماد شیر با علائم نجومی است و این ارتباط به‌ویژه در نقش‌مایه‌ی شیر و خورشید در کنار یکدیگر، نمود یافته‌است (دادور و منصور، ۱۳۸۵: ۳۲). در موزه

مقدم دو مهر که نبرد شیر با گاو را نشان می‌دهد وجود دارد که تصویر از جنس عقیق طوسی با نقش شیر، گاو و عقرب می‌باشد و مهر دیگر ساسانی از جنس عقیق، حمله شیر به گاو را نشان می‌دهد.



تصویر ۱- سرمشهد: طرح نقش برجسته نبرد بهرام دوم با شیران وحشی (Tanabe, 1990: 30, Fig. 2b)

۵-۱-۲. گاو

در زمان ساسانیان نقش گاو را بیشتر روی مهرها می‌توان یافت که در این نقوش گاو به صورت ساده و همراه ماه در بعضی جاها مانند اثر مهرهای مسطح قصر ابونصر فارس نمایان است (ریاضی، ۱۳۷۵: ۲۰۵). همچنین قابل ذکر است که گاو نماد "درواسپ" و یا "گوشورون"^۱ (روان چهارپایان سودمند) نیز محسوب می‌شده و تجسمی از ایزد بهرام و ایزد تیشتر نیز به‌شمار می‌آمده است (اولانسی، ۱۳۸۰: ۲۱).

گوبل گاو کوهان‌دار را مرتبط با آئین آناهیتا می‌داند (گوبل، ۱۳۸۴: ۶۴). مهرهای ساسانی معمولاً گاو نر را به‌عنوان حیوان طبیعی تصویر می‌کنند (Brunner 1978: 77). مضمون شیری که گاو را می‌گیرد، در شماری از مهرهای ساسانی استفاده شده است (اکرم، ۱۳۸۷: ۹۹۱).

مهری در موزه مقدم نقش گاوی کوهان‌دار را نشان می‌دهد؛ گاوی که خیز برداشته است و می‌خواهد بپرد یا به جلو حرکت کند. (ده پهلوان و قنواتی، ۱۳۹۴: ۵۳). (تصویر ۲)

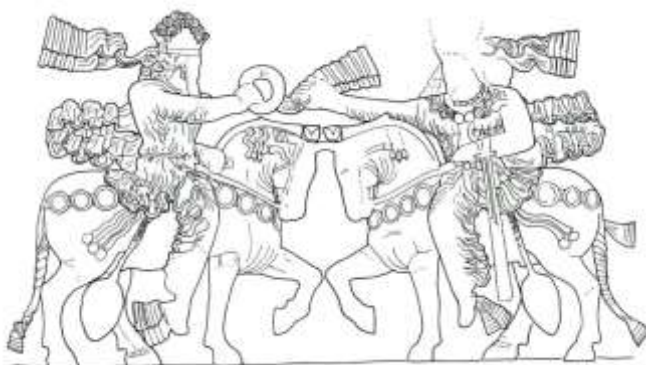
این جانور در روزگار زردشت نماد ثروت و دارایی به‌شمار می‌آمد. طبق اساطیر ایرانی گاو با ماه نیز ارتباط دارد و نماد ماه محسوب می‌شود و شاخ او نمادی از ماه می‌باشد (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۰۱). گاو نر نشانگر برترین نماد اصل جنس نرینه در طبیعت، یعنی قدرت و نیروی تولید مثل است (آقاعباسی، ۱۳۸۹: ۱۷۲).



تصویر ۲- مهر ساسانی گاو کوهان‌دار در موزه مقدم (ده پهلوان و قنواتی، ۱۳۹۴: ۵۳)

۵-۱-۳. اسب

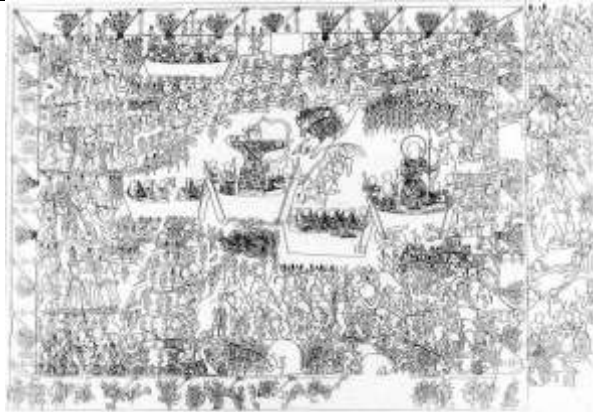
در معنای سمبلیک، اسب به معنی آزادی، انرژی خورشیدی، پیروزی، تحمل، سرعت و ... آمده است. ایزد بهرام در سومین تجلی خود به صورت اسبی سفید و زیبا ظهور کرد (دادور و منصور، ۱۳۸۵: ۶۹-۶۸). تصویر اسب در بسیاری از نگارندهای دوره ساسانی به صورت واقعی وجود دارد. اسب در اشکال مختلف خود به صورت جفت روبه‌روی هم و یا منفرد و یا در حال چرا بر روی مهرها و گچبری‌های این دوره آمده است که در اکثر مواقع با بال تصویرگشته‌اند حالت سمبلیک دارند و احتمالاً نشانه‌ای از فره‌وشی جانوران و یا از نظر آپم پوپ و اکرمین (۱۳۸۷: ۱۳۲) نشانه‌ای از صور فلکی فرس اعظم می‌باشد و از نظر گوبل (۱۳۸۴: ۶۴) نقش این جانور بر روی مهرهای ساسانی، می‌تواند نشانه‌ای از ایزد بهرام و یا ایزد تیشتر باشد که به مالک مهر پیروزی و برکت عطا می‌کرده‌اند. (تصویر ۳)



تصویر ۳- نقش رجب: طرح صحنه تاجستانی شاپور اول از خدای بزرگ اهورامزدا (Overlaet, 2013: p. 341, Pl. 2b)

۵-۱-۴. گراز

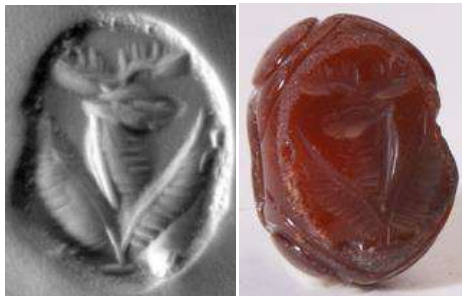
این حیوان در جنگ‌ها است و بیشتر روی مهرها و گچبری‌ها و نگارندها نقش آن را به صورت نیم‌تنه یا به صورت کامل می‌توان مشاهده کرد، این جانور دارای نیرویی فوق‌طبیعی است و سر این حیوان تجسمی از ورث‌رغن، خدای جنگ و پیروزی است (پرادا، ۱۳۷۵: ۳۰۹). در دوره ساسانی این نقش علاوه بر روی مهر و گچبری‌های چال ترخان در ایوان سنگی تاق‌بستان هم ترسیم شده که صحنه شکار گرازها به صورت جمعی توسط خسرو پرویز را نشان می‌دهد که در این نگارندها روایت شکار را با استفاده از تکرار تصاویر و تغییر حرکت آن‌ها در وضعیت‌های مختلف، تصویر متحرک را به وجود آورده که حاکی از روایت صحنه شکار می‌باشد. (تصویر ۴)



تصویر ۴- تاق بستان :صحنه شکار گراز (Tanabe, 2003: Fig. 8)

۵-۱-۵. گوزن

این جانور نماد نیروی بدنی زیاد و قدرت دویدن است و شاخ‌هایش نماد پرتو خورشید بوده‌است. طبق متون پهلوی و روایات داراب هرمزدیار گوزن یکی از انواع شانزده‌گانه گاو به‌شمار می‌رفته است (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۴۲).



تصویر ۵- مُهر ساسانی با نقش گوزن، موزه مقدم (ده پهلوان و قنواتی، ۱۳۹۴: ۵۹)

این حیوان به‌دلیل شاخ‌های بلندش که مرتباً تجدید می‌شود، اغلب با درخت زندگی مقایسه می‌شود و نمادی از باروری و تولد دوباره است (شوالیه و گریبران، ۱۳۸۵: ۷۶۹) و در اساطیر ایران گوزن لمیده می‌تواند نشانه‌ای از ماه یا ورث‌رغنه نیز باشد (آپم پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۹۸۲). در هنر ساسانی گوزن قرمز یا طبیعت‌گرایانه پای جلوی خود را بلند کرده و سر را به عقب برگردانده‌است (Grabar, 1967) یا در حال نوشیدن آب روی یک قطعه گچبری دامغان (پوپ، ۱۳۸۷: ۷۹۵) و یا ممکن است روی ظروف نقره در صحنه شکار سلطنتی که تعقیب می‌شود (Grabar, 1967, no.10, Ghirshman 1962, nos252, 254). همچنین در صحنه شکار بر روی نقوش برجسته تاق‌بستان تصویر شده‌است (Fukai and Horiuchi, 1969, pls. LXXXI ff). گوزن قرمز روی مهرهای ساسانی همیشه به‌عنوان حیوانی زمینی، بدون بال نشان داده می‌شود. حالت‌های این حیوان، مانند حالت‌های گاو، روی چهار پا ایستاده، یک دست را بلند کرده و بیتوته کرده است (Brunner, 1978: 87). (تصویر ۵)

۵-۱-۶. خرگوش

نقش خرگوش بر روی مهرهای دوره ساسانی با گوش‌هایی به شکل هلال ماه ترسیم شده و این ارتباط خرگوش با ماه را می‌رساند؛ زیرا خرگوش نیز مانند گوزن حیوانی متعلق به ماه است. این حیوان نمادی از آبستنی، بی‌ثباتی، تیزپایی، زندگی اجتماعی و گیاه‌خواری و نگهبانی است (شوالیه و گبران، ۱۳۸۴: ۶۹). (تصویر ۶)



تصویر ۶- مهر ساسانی با نقش خرگوش (مأخذ: grifterrec.com)

۵-۱-۷. سگ

این جانور برای ساسانیان نیز بسیار پراهمیت بوده است و آن را جزو جانوران اهورایی قلمداد می‌کردند و می‌توان این جانور را نمادی از نگاهبانی و وفاداری قلمداد کرد و نقش آن را می‌توان در برخی از مهرهای دوره ساسانی به صورت منفرد و یا با نقش کیومرث مشاهده کرد. بر طبق نوشته‌های هرودت، سگ در نزد ایرانیان آن قدر محترم بوده که در عدد انسان به‌شمار می‌رفته و کسی حق کشتن انسان و سگ را نداشته‌است؛ زیرا در دین مزدیسنا کشتن سگ گناهی بزرگ محسوب می‌شده که کیفری عظیم دارد و بنا بر روایات پهلوی سگ را از آن جهت نباید خورد که نطفه کیومرث در اوست (بهار، ۱۳۸۶: ۱۳۶). (تصویر ۷)

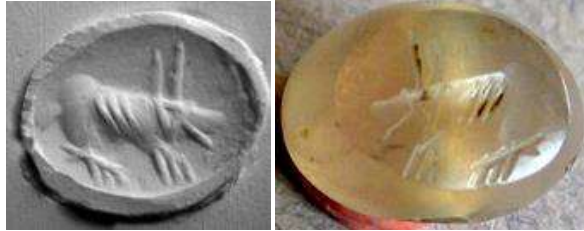


تصویر ۷- گل مهر ساسانی با نقش سگ (<http://www.grifterrec.com>)

۵-۱-۸. گرگ

گرگ در اوستا جزء جانوران اهریمنی قلمداد می‌شود و از دیدگاه زردشتیان گرگ یک جانور مضر و جزو خرفستران بوده و احتمالاً نمادی از نیروی مخرب بوده‌است، اما نقش این جانور بر روی مهرهای ساسانی در حالی که به دو کودک شیر می‌دهد دیده می‌شود و دلیل استفاده از نقش این جانور اهریمنی را می‌توان اقتباسی از افسانه روموس و رومولوس رومی دانست (Brunner, 1980: 76). اما باید متذکر گشت که محققانی همچون "ریکا گیزلن" عقیده دارند که این نقش برگرفته از فرهنگ یونانی نیست؛ بلکه خود به یک پیشینه ایرانی دور می‌رسد (بهار، ۱۳۸۶: ۱۰۷). مهر ساسانی از جنس سنگ عقیق و با نقش گرگی که به دو کودک شیر می‌دهد، متعلق به قرن چهارم میلادی می‌باشد که دارای نوشته‌ای به خط پهلوی نیز می‌باشد که گویا معرف نامی است که شباهت به اسم "بانو" دارد و گویا ارتباطی با نام ایزدبانو آناهیتا نیز می‌تواند داشته‌باشد.

در موزه مقدم نقش روی یکی از مهرها تصویر گرگی را نشان می‌دهد که به سمت جلو خیز برداشته‌است. نقش گرگ در میان مهرهای ساسانی زیاد به چشم می‌خورد که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در مهرهای قصر ابونصر دید (ده پهلوان و قنواتی، ۱۳۹۴: ۶۱). (تصویر ۸)



تصویر ۸- مهر ساسانی با نقش گرگ، موزه مقدم (ده پهلوان و قنواتی، ۱۳۹۴: ۶۱)

۵-۱-۹. خرس

بر روی تعدادی از مهرهای دوره ساسانی نقش خرس حک شده‌است. این جانور در اساطیر ایرانی جزو خرفستران و جانوران اهریمنی محسوب می‌شده‌است. (شوالیه و گریبان، ۱۳۸۴) همچنین از نظر آپم پوپ و اکرمین (۱۳۸۷: ۹۱۶) نقش خرس بر روی مهرهای ساسانی می‌تواند به صورت فلکی دب اکبر مربوط باشد و انتخاب چنین نقشی در ارتباط با طالع‌بینی نجومی بوده‌باشد.

۵-۱-۱۰. بز کوهی

بز نشان باروری و رویش است. نکته‌ی جالب اینجاست که نقوش بز کوهی همواره در کنار سرچشمه‌های آب پیدا می‌شوند. سرچشمه‌ی رودها بهترین یاری‌دهنده برای پیدا کردن نگاره‌هاست. آب نیز خود شروع رویش و باروری است (شوالیه و گریبان، ۱۳۸۴: ۲۱۵). نقش بز به فراوانی در آثار شرق باستان با نمادهای مختلف ماه مرتبط بوده‌است. متداول‌ترین نوع ساسانی آن بز کوهی در حال حرکت است که نه تنها در مهرها، بلکه در پارچه‌ها و ظروف نقره‌ای ساسانی نیز دیده می‌شود (Harper, 1973, PLS. 18, 38) نیم تنه بز کوهی را در گچ‌بری‌های کیش نیز داریم (پوپ، ۱۳۷۸: ۷۹۵).

نقش روی مهر تصویر بز کوهی با تحرکی کند و آرام را نشان می‌دهد. در قسمت میانی بدن حیوان سه خط موازی عمودی نقش را از حالت سادگی خارج می‌کند. شاخ‌های بز به صورت افقی به سمت عقب کشیده شده‌است (ده پهلوان و قنواتی، ۱۳۹۴: ۶۰). (تصویر ۹)



تصویر ۹- مهر ساسانی با نقش بز کوهی، موزه مقدم (ده پهلوان و قنواتی، ۱۳۹۴: ۶۰)

۵-۱-۱۱. فیل

در زمان ساسانیان، فیل‌ها معمولاً بخشی از سپاه را تشکیل می‌دادند و در پیروزی‌ها نقش عمده‌ای بر عهده داشتند که نمونه‌ای از آن در نگارکند تنگ‌چوگان بیشاپور جنگ شاپور دوم با رومیان بود که بنا بر روایت آمیانوس مارسلینوس، فیلان سکائیان که در خدمت شاپور بودند ترس و وحشت زائدالوصفی در دل سپاهیان روم انداختند (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۷۶ و تفضلی، ۱۳۶۴: ۱۲۶). در کارنامه اردشیر بابکان فیل سپید نشانه قدرت و پادشاهی است همچنین فیل در مینوی خرد نماد حافظه طولانی، صبر و فهم و سعادت و زناشویی نیز می‌باشد (شوالیه و گبریان، ۱۳۸۴: ۹۴). (تصویر ۱۰)



تصویر ۱۰- مُهر ساسانی از جنس عقیق یمانی با نقش فیل (مأخذ: *sigilla.at*)

۵-۱-۱۲. شتر

ایزد بهرام در روزگار ساسانیان نقش ایزد پاسدار و راهبر را داشته‌است. این ایزد، وجودی انتزاعی و تجسمی از یک اندیشه است. وَرْثَرْنَه به معنی درهم شکننده مقاومت است. در سرودهایی که به این ایزد تعلق دارد و به نام بهرام‌یشت می‌باشد، او با ده تجسم نمایانده شده‌است. از مُهرهایی که متعلق به دوره ساسانی است، دارای نقش شتر می‌باشد که یکی از ده تجسم ایزد بهرام است (هینلز، ۱۳۹۱: ۱۰۸). (تصویر ۱۱)



تصویر ۱۱- پلاک گچی با نقش بهرام و آزاده که بر شتر سوار هستند از چال ترخان (Thompson, 1976: PL.II)

۵-۱-۱۳. قوچ

نقش این جانور با روبان را نمادی از فره ایزدی می‌باشد که از سوی ایزدان به انسان‌ها عطا می‌شود و نقش مهمی در زندگی فرد ایفا می‌کند. کوروجی که تجلی‌های ایزد بهرام را معادل صور فلکی می‌داند، قوچ را برابر برج حمل که اولین برج سال است در نظر می‌گیرد (کوروجی، ۱۳۸۰: ۲۴۸). نمادی از آرامی، باروری، تواضع، نعمت و برکت، خورشید، نیرومندی و رام کردن، وقار و دانایی دانسته می‌شود و شاخ این حیوان به عنوان مظهر آفرینش، شعاع نور، جنگ و خشونت می‌باشد و نیز می‌توان شاخ این جانور را نمادی از ماه دانست. (آقاعباسی، ۱۳۸۹: ۱۷۹). نقش روی یکی دیگر از مهرهای موزه مقدم تصویر قوچی است که سر را به عقب چرخانده‌است و پاهایش نیز زیر بدنش جمع شده‌است. به دورگردن این حیوان روبانی دیده می‌شود (ده پهلوان و قنواتی، ۱۳۹۴: ۶۳). (تصویر ۱۲)

نمونه‌های دیگر این مهر در پژوهش لرنر (Lerner, 1976:184, Fig.2A) و گوبل (Gobl, 1976: Nr.402) به چشم می‌خورد.



تصویر ۱۲- مهر ساسانی با نقش قوچ، موزه مقدم (ده پهلوان و قنواتی، ۱۳۹۴: ۶۳)

۵-۱-۱۴. ماهی

یکی از نقوش جانوری که بر روی گچ‌بری‌ها و نگارکندها و مهرهای ساسانی حک شده است، نقش ماهی می‌باشد. از نظر آپم پوپ واکرمن نقش ماهی بر روی مهرهای ساسانی می‌تواند نشانی از برج حوت باشد که شاید مالک چنین مهری طالعش در این برج بوده باشد (آپم پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷: ۹۷). ماهی نمادی از برکت و باروری به‌شمار می‌آمده و نمادی از ایزدبانو آناهیتا نیز دانسته می‌شده است (Brunner, 1980: 112). (تصویر ۱۳)



تصویر ۱۳- مهر ساسانی از جنس عقیق با نقش ماهی (<http://www.grifterrec.com>)

۵-۱-۱۵. عقرب (کژدم)

نقش عقرب از جمله نقوشی است که بر روی مهرهای ساسانی به تعداد فراوانی حک شده است و دلیل استفاده از نقش این جانور می‌تواند به معنای جادو و طلسم، ترس از این جانور و یا حتی به معنای نیاز انسان به این جانور و نیز می‌تواند نمادی از برج عقرب و نیز همچنین نمادی از کیش مهر باشد (بهار، ۱۳۸۶: ۴۷). نقش این جانور بر روی مهرهای ساسانی به صورت منفرد و در مواقعی همراه با کیومرث و خروس، سگ، مار و شیر تصویر گشته است و در این نقش احتمالاً نماد فرخنده‌ای بوده و در ارتباط با مفاهیم نجومی می‌باشد (Brunner, 1980: 113). ابوالعلاء با زردشتیگری محض به عنوان دین رسمی دوره‌ی ساسانی و تئوری محض آزار مانویان و مزدکیان مخالف است. او نقش عقرب بر مهرهای ساسانی را یکی از نمادهای آئین مهری در دوره‌ی ساسانی می‌داند (Soudavar, 2014: Pp. 79-81).

در مجموعه مهرهای موزه متروپولیتن نیویورک نیز نقش عقرب وجود دارد. (برونر، ۱۹۷۸: ۱۱۳). در اثر مهرهای تخت سلیمان آن را به عنوان طرح فرعی مشاهده می‌کنیم. در قصر ابونصر حتی به عنوان طرح و نقش فرعی نیز از آن دیده نشده است. در سه نمونه یادشده از تخت سلیمان، عقرب به عنوان نقشی فرعی در کنار شیرها جای دارد. عقرب و مار در مهرپرستی نقش ایفا می‌کنند (گوبل، ۱۳۸۴: ۶۰). در موزه مقدم هم به صورت فرعی و هم به صورت طرح اصلی نقش عقرب را بر روی مهرها داریم. (تصویر ۱۴)



تصویر ۱۴- مُهر ساسانی با نقش عقرب، موزه مقدم (ده پهلوان و قنواتی، ۱۳۹۴: ۶۴)

۵-۱-۱۶. طاووس

این پرنده در آیین زردشت مرغی مقدس به‌شمار می‌رفته و اهمیت آن تا بدان حد بوده که بر اساس نوشته‌های طبری (در قرن سوم هجری)، در نزدیکی آتشکده بخارا، مکان خاصی برای نگهداری از طاووس‌ها وجود داشته‌است (طبری، ۱۳۷۵: ۱۶۲). این پرنده نمادی از فصل بارانی نیز بوده‌است (خزایی، ۱۳۸۶ و قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۷۰). و به‌همین دلایل این پرنده، مقدس به‌شمار می‌رفته و نمادی از نیروی نیک و درمان‌بخش بوده‌است و نقش آن معمولاً به‌صورت منفرد بر روی مهرها و گچبری‌های ساسانی مشاهده می‌شود (هینلز، ۱۳۹۱: ۱۴۶). (تصویر ۱۵)



تصویر ۱۵- گچبری ساسانی از کاخ تیسفون (Thompson, 1976: PL.II)

۵-۱-۱۷. خروس (پروردش)

نام خروس از ریشه اوستایی به‌معنای خروشیدن است. این جانور که پرنده‌ای ایزدی است، نمادی از قدرت پیش‌بینی، نماد طلوع خورشید و سحرخیزی و نیز نمادی از ایزد سروش می‌باشد (شوالیه و گبران، ۱۳۸۴: ۱۱۷). نقش این پرنده به‌صورت منفرد بر روی برخی از مهرهای ساسانی حک شده است.

در موزه مقدم مهری مسطح از عقیق بی‌رنگ موجود است که قسمت پشت آن ساده و بی‌نقش است. تصویر روی مهر احتمالاً یک خروس است که تاج بلند و کشیده‌ای به‌سمت عقب دارد و در منقار این پرنده شاخه‌ای دیده می‌شود. دم آن به‌صورت هلالی و بسیار شبیه به دم خروس است. مهر با نقش خروس را در پژوهش گیزلن (Gyselen, 1989) داریم، اما در این نمونه خروس بسیار زیبا و با جزئیات کامل و طبیعت‌گرا نقش شده‌است (ده پهلوان و قنواتی، ۱۳۹۴: ۶۳). (تصویر ۱۶)



تصویر ۱۶- مهر ساسانی با نقش خروس، موزه مقدم (ده پهلوان و فنوانی، ۱۳۹۴: ۶۳)

۵-۱-۱۸. کلاغ

نقش این پرنده بر روی مهرهای ساسانی می‌تواند نمادی از ایزد بهرام و نیز نشانه‌ای از هوش و ذکاوت و سودمندی این جانور باشد. بر اساس نظر جان هینلز، ایزد بهرام در هفتمین تجلی خود به صورت مرغ وارغن در می‌آید که همان کلاغ است (هینلز، ۱۳۹۱: ۳۶). یکی از نقش‌هایی که به ندرت بر مهرهای ساسانی دیده می‌شود، نقش کلاغ است. (تصویر ۱۷)



تصویر ۱۷- مهر ساسانی با نقش کلاغ (<http://www.grifterrec.com>)

۵-۱-۱۹. عقاب (باز - شاهین)

شاهین نمادی از قره ایزدی در ایران باستان بوده و پرنده‌ای خوش‌یمن و مقدس به‌شمار می‌رفته‌است. این پرنده در دوره ساسانی مقامی ایزدی داشته و شاهین نماد دیگر ایزد بهرام است. همچنین در برخی توصیف‌ها اهورامزدا به سر عقاب تشبیه شده که شاید مقصود همان سیمرغ اوستا باشد (brunner, 1980: 104 و آقاعباسی، ۱۳۸۹: ۲۰۴-۲۰۳). بر روی مهرها و گجبری‌های ساسانی نقش عقاب و باز معمولاً در حالت شکار کردن و حمله به حیواناتی مانند گاو و بز و ... تصویرگشته که این نمایش احتمالاً برداشتی از طبیعت بوده است. (تصویر ۱۸)



تصویر ۱۸- مهر ساسانی با نقش عقاب (مأخذ: sigilla.at)

۵-۱-۲۰. اردک

نقش اردک از جمله نقوشی است که بر آثار هنری دوره ساسانی تصویر گشته‌است و بسیاری از مهرهای این دوره نیز دارای نقش این پرنده می‌باشند. احتمالاً نقش اردک بر روی مهرهای ساسانی نشان فرخنده‌ای بوده، زیرا اردک با آب در ارتباط است و می‌تواند نمادی از برکت و فراوانی و حاصلخیزی باشد (شوالیه و گبران، ۱۳۸۴: ۱۹۳). در موزه مقدم نقش روی مهر یک کبوتر و یا به احتمال زیاد، با توجه به طرز ایجاد پای پرنده یک اردک را نشان می‌دهد. در ایجاد نقش نیز از روش خطی استفاده شده‌است (ده پهلوان و قنواتی، ۱۳۹۴: ۶۳). (تصویر ۱۹)



تصویر ۱۹- مهر ساسانی با نقش اردک، موزه مقدم (ده پهلوان و قنواتی، ۱۳۹۴: ۶۳)

۶. نقوش جانوران اسطوره‌ای و ترکیبی

بال بر بدن انسان یا حیوان، علامت ایزدی و نماد قدرت محافظت است (هال، ۱۳۸۰: ۳۰). حیوانات اسطوره‌ای در حکم موجودات نگهبان به کار می‌رفته‌اند و احتمالاً نمادی از محافظت و پاسداری بوده‌اند. قطعه گچبری نقش بال برافراشته‌ی یک پرنده در میان دو ایر هم‌مرکز را نشان می‌دهد. این نقش یکی از محدودترین نقوش محوطه برزقاوله می‌باشد. چراکه تنها یک نمونه از این نقش در کاوش به‌دست آمد. نقش کامل این طرح خوشبختانه بیشتر از تیسفون به‌دست آمده‌است که اکنون آرم دانشگاه تهران است (دادور و منصوری، ۱۳۹۱: ۷۳). (تصویر ۲۰)



تصویر ۲۰- گچبری از کاخ تیسفون (Thompson, 1976: PL.II)

۶-۱. اسب بال‌دار

در زمان ساسانیان تصویری از اسب بال‌دار روی جام خسرو یکم به‌دست آمده‌است. روی مهرها و گچ‌بری‌های دوره‌ی ساسانی نیز می‌توان تصاویری از این حیوان را مشاهده نمود. نقش اسب بال‌دار نماد آذرگشنسب که معنای تحت‌اللفظی آن آتش اسب نر است، می‌تواند باشد (کرتیس، ۱۳۸۹: ۵۷).

در کل، بر روی مهرها ما با دو بازنمایی از اسب بال‌دار روبه‌رو می‌شویم که یکی به‌صورت اسب با یک بال و دیگری اسب با دو بال است. طرز ایستادن این اسب‌ها که یکی از پاهای جلو را به‌طرف بالا خم کرده‌است، بسیار شبیه به اسب‌هایی است که در اکثر نقوش برجسته‌ی ساسانیان به‌همین حالت دیده می‌شود، به‌ویژه در نقوش

برجسته‌ی نقش رجب، نقش رستم و بیشاپور (ده پهلوان و قنواتی، ۱۳۹۴: ۵۸). در تصویر شماره ۲۲ به صورت خطی و ساده‌تر کار شده است ولی در تصویر ۲۱ به صورت تک‌بال رسم شده است.



تصویر ۲۱ - مهر ساسانی با نقش اسب بالدار (مأخذ: *sigilla.at*)



تصویر ۲۲ - مهر ساسانی با نقش اسب بالدار، موزه مقدم (ده پهلوان و قنواتی، ۱۳۹۴: ۵۶)

۲-۶. قوچ شاخدار

دیگر نماد «فر» قوچ است، قوچ شاخدار با شاخ‌هایی پیچیده، که در اوستا بارها به آن به‌عنوان یکی از نشانه‌های پیروزی اشاره شده است (هال، ۱۳۸۰: ۱۳۷). تقریباً می‌توان قرن چهارم میلادی را ظهور این موجود در عرصه‌ی هنر ساسانی ارزیابی کرد. (تصویر ۲۳)



تصویر ۲۳ - پلاک گچی سر قوچ با بال و دستار از کیش (Pope, 1938: 639, Kroger, 1982: PL.81)

۳-۶. شیر بال دار

در دوره‌ی ساسانی نیز آثاری از نقش شیر بال‌دار در مناطق مختلف مربوط به این دوره کشف شده است. در گچبری‌ها و همچنین در حجاری طاق بستان نیز تصویری از شیر بال‌دار مشاهده می‌شود. نمونه دیگر از نقش شیر بال‌دار را می‌توان روی تنگ نقره‌ای دوره‌ی ساسانی مشاهده نمود؛ این اثر هم‌اکنون در موزه آرمیتاژ سن‌پترزبورگ حفظ و نگهداری می‌شود. (تصویر ۲۴)



تصویر ۲۴ - گچبری ساسانی از چال ترخان (Thompson, 1976: PL.II)

۴-۶. لاماسو(گاو-مرد): گاو بال‌دار با سر انسان

گاو-مرد و یا لاماسو یک موجود اسطوره‌ای محافظ است که با بدن گاو نر و یا شیر و بال عقاب و سرانسان نشان داده شده‌است. این موجود احتمالاً نمادی از گوبدشاه اسطوره‌ای، که روح محافظ جانوران بوده نیز می‌باشد(شوالیه و گربران، ۱۳۸۴: ۶۳). نقش این جانور اسطوره‌ای در حاجی آباد دارابگرد و هم‌چنین به‌صورت مجسمه‌ای گچی در بیشاپور به‌دست آمده‌است و در بسیاری از مَهرهای به‌دست آمده از دوره ساسانی دیده می‌شود که در واقع جنبه‌ی طلسمی و محافظتی برای مالک مَهر داشته‌است.(تصویر ۲۵)



تصویر ۲۵- مَهر ساسانی متعلق به قرن ۳ میلادی، از جنس عقیق و با نقش لاماسو (<http://www.grifterrec.com>)

۵-۶. «سن مرو» یا سیمرغ

در اواخر دوره‌ی ساسانیان نمونه‌هایی از حیوانات اساطیری به‌صورت تلفیقی روی قالب‌های گچی و ظروف نقره‌ای به‌دست آمده که در این آثار ما ترکیب حیوان افسانه‌ای شیر و سگ با بال و دم پرنده، به‌نام سن مرو از «چال ترخان» می‌بینیم(دادور و منصوری، ۱۳۸۵: ۱۶۶) یکی از حیوانات خیالی ایرانیان که به‌ویژه در دوران ساسانی اهمیت فراوان داشته «سن مرو» یا سیمرغ است که دارای شکل‌های مختلف شیر، سگ و پرنده بوده‌است. سر این جانور کمی شبیه گرگ و کمی مانند شیر یا پلنگ است، تنه‌ی آن حیوان پستانداری را نمایش می‌دهد، پاها و بال‌ها به عقاب می‌ماند(دادور و مبینی، ۱۳۸۸: ۴۰). معنای سمبلیک سیمرغ به‌معنی آرزو، آتش، آزادی، اعتقاد، اقتدار، الوهیت، الهام امپراتوری، پیروزی و ... است (هال، ۱۳۸۰: ۸۷). (تصویر ۲۶)



تصویر ۲۶- مَهر ساسانی با نقش سیمرغ (<http://www.grifterrec.com>)

۷. تجزیه و تحلیل داده‌ها

ایران کشوری است که در آن قومیت‌ها، فرهنگ‌های بومی و محلی، زبان‌ها و لهجه‌ها، دین و مذاهب متفاوتی دارند. در هنر ساسانی اندیشه مذهبی به‌نحو دقیقی مجسم شده، به‌طوری‌که بررسی و پژوهش باستان‌شناسانه این دوره در نهایت به تصویرشناسی مذهبی می‌انجامد. بدین روال به‌هنگام حکومت ساسانیان مظاهر ایزدانی چون ورثرغن، مهر، آناهیتا و تشری به‌طور آگاهانه و منضبط در هنر ساسانی تجلی می‌کند و فقط با درک و شناخت این سمبل‌هاست که درک مفاهیم هنری و مذهبی امکان‌پذیر می‌گردد(آورزمانی، ۱۳۸۳: ۹۰) و آیین زرتشت نیز که شاهان ساسانی بدان پای بند بودند تنها از طریق تصویرهای مظهری (سمبولیک) در آثار رسمی تاریخی منعکس گردید(لوکونین، ۱۳۸۴: ۷۱). در واقع همه‌ی نمودارهای هنر ساسانی در تصویرها، نگارکندها و

مهرها و گچبری‌ها منعکس شده‌است. در هنر ساسانی نیز تصورات و اعتقادات آن زمان، راهنمای هنرمند بوده و بیشتر آنچه در تزیینات نقش می‌بست نماینده‌ی باورها و نگرش‌های مردمان نسبت به جهان هستی بود که خواه‌ناخواه مفاهیم و تصورات بنیادی مردمان را با نشانه‌ها و اشکال نمادین به نمایش می‌گذاشت (خالدیان، ۱۳۸۷: ۲۲). در این پژوهش نقوش جانوران به‌کاررفته را در جدولی به‌صورت تفکیک شده تهیه شده که هر نقش در کدام آثار نگارکندها و گچبری‌ها و مهرها استفاده شده و مفاهیم هر کدام نیز بیان شده‌است.

جدول ۱- نقوش جانوری در نگار کندها و گچبری‌ها و مهرهای دوره ساسانی (مأخذ: نگارنده)

نقوش جانوری	مورد استفاده در	مفهوم نمادین و اسطوره‌ای
۱ شیر	نگارکندها- گچبری‌ها-مهرها	معانی سمبولیک این حیوان آتش، ابهت، پارسایی، پرتو خورشید، تابستان، دزدی، دلاوری، شجاعت، عقل، قدرت، گرمای تابستان، نیروی ابرانسانی را نام‌برد. همچنین این حیوان در باورهای اساطیری نشانگر باروری زمین بوده‌است
۲ گوزن	نگارکندها- گچبری‌ها-مهرها	نماد نیروی بدنی زیاد و قدرت دویدن است و شاخ‌هایش نماد پرتو خورشید بوده‌است
۳ خرگوش	مهرها	نمادی از آبستنی، بی‌ثباتی، تیزپایی، زندگی اجتماعی و گیاه‌خواری و نگهداری است
۴ شتر	نگارکندها- گچبری‌ها-مهرها	عظمت، سنگین وزنی، کند حرکت کردن و توانایی درسفر و شرایط سخت کویری
۵ گراز	نگارکندها- گچبری‌ها-مهرها	نیروی فوق طبیعی و سر این حیوان تجسمی از ورثه‌ی خدای جنگ و پیروزی است
۶ سگ	گچبری‌ها-مهرها	نمادی از نگاهبانی و وفاداری
۷ گرگ	مهرها	نمادی از نیروی مخرب بوده‌است، و جزء جانوران اهریمنی قلمداد می‌شود
۸ فیل	نگارکندها-مهرها	نمادی از قدرت و حکومت و پادشاهی بوده و در مینوی خرد نماد حافظه طولانی، صبر و فهم و سعادت و زناشویی نیز می‌باشد.
۹ قوچ	گچبری‌ها-مهرها	نمادی از آرامی، باروری، تواضع، نعمت و برکت، خورشید، نیرومندی و دانایی می‌باشد.
۱۰ خرس	مهرها	نمادی از شجاعت و دلیری است و بر روی آثار ساسانی می‌تواند به‌صورت فلکی دب‌اکبر مربوط باشد و انتخاب چنین نقشی در ارتباط با طالع‌بینی نجومی بوده‌باشد.
۱۱ بزکوهی	نگارکندها و مهرها	نماد سرچشمه‌های آب و نماد باوری و رویش
۱۲ عقرب	مهرها	به‌معنای جادو و طلسم، ترس از این جانور و یا حتی به‌معنای نیاز انسان به این جانور و نیز می‌تواند نمادی از برج عقرب و نیز همچنین نمادی از کیش مهر باشد.
۱۳ ماهی	نگارکندها- گچبری‌ها-مهرها	نمادی از برکت و باروری و نمادی از ایزدبانو آناهیتا نیز دانسته می‌شده‌است
۱۴ اردک	مهرها	نمادی از برکت و فراوانی و حاصلخیزی باشد.
۱۵ خروس	مهرها	نمادی از قدرت پیش‌بینی، طلوع خورشید و سحرخیزی و نماد ایزد سروش می‌باشد.

۱۶	طاووس	گچبری‌ها-مهرها	مرغ آناهیتا (ناهید) ایزد آب بوده است؛ نمادی از فصل بارانی بوده است پرنده، مقدس و نمادی از نیروی نیک و درمانبخش بوده و مظهر تزیینات تجمل تکبر جلال و شکوه رستاخیز زندگی توام با عشق می‌باشد نمادی از بهشت، تولد دوباره و ابدیت است.
۱۷	کلاغ	مهرها	نمادی از ایزد بهرام و نیز نشانه‌ای از هوش و ذکاوت و سودمندی می‌باشد. و پیام آور نیک بختی و فرشته میانجی می‌باشد.
۱۸	عقاب(شاهین)	گچبری‌ها-مهرها	نماد خرد و خدای آسمان، فرشته میانجی، بیک خورشید، پیام آور نیکبختی، علامت امپراطوری ایران و شاه مرغان بوده است
۱۹	کبوتر	گچبری‌ها	نمادی از خو شیمنی و صلح و دوستی است
۲۰	مرغابی	مهرها	مظهر زاهدانی که پیوسته در کار شستشو و خود را نماد پاکی و درستکاری می‌دانند
۲۱	بال	نگارکندها- گچبری‌ها-مهرها	بال بر بدن انسان یا حیوان، علامت ایزدی و نماد قدرت محافظت است
۲۲	لاماسو(گاو - مرد)	گچبری‌ها-مهرها	نمادی از گوبدشاه اسطوره‌ای، که روح محافظ جانوران بوده می‌باشد موجود اسطوره‌ای محافظ است که با بدن گاو نر و یا شیر و بال عقاب و سرانسان نشان داده شده است.
۲۳	سیمرغ	نگارکندها- گچبری‌ها-مهرها	بخشنده جاودانگی، نماد آتش، فرشته نگهبان، نماینده خدای خدایان می‌باشد
۲۴	قوچ بال‌دار	گچبری‌ها-مهرها	نشانه و نماد پیروزی
۲۵	شیر بال‌دار	نگارکندها- گچبری‌ها-مهرها	موجود اسطوره‌ای محافظ و نماد ایزدی و نماد قدرت بوده است
۲۶	اسب بال‌دار	نگارکندها- گچبری‌ها-مهرها	نمادی از محافظت و پاسداری بوده

۸. نتیجه‌گیری

در دوره ساسانی نقش جانوران در آثار هنری بسیار کاربرد داشته است و به خصوص نقش نمادین حیوانات را می‌توان در آثار این دوره مشاهده کرد و بسیاری از جانوران مانند سگ، خروس، گاو و غیره دارای احترام خاصی برای ساسانیان و یا زردشتیان بوده‌اند؛ همچنین ایزدانی مانند تیشتر و بهرام بیش‌تر به هیئت جانوران ظاهر می‌شوند و این تجلی را نه تنها دوزن شأن ایزدان نمی‌دانسته‌اند، بلکه به افتخار و ابهت آنان نیز می‌افزود؛ و به همین دلایل بود که در اساطیر زردشتی، جانوران تجلی چشمگیری یافتند. نقش شیر در آثار نگارکندها، گچبری و مهرهای دوره ساسانی به کاررفته و نماد آتش، ابهت، تابستان، دلاوری، عقل، قدرت و نیروی ابرسانی بوده است. همچنین این حیوان در باورهای اساطیری نشانگر باروری زمین بوده است. نقش گوزن در آثار نگارکندها، گچبری و مهرهای دوره ساسانی به کاررفته و نماد نیروی بدنی زیاد است و شاخ‌هایش نماد پرتو خورشید بوده است. نقش خرگوش در آثار مهرهای دوره ساسانی به کاررفته و نمادی از آبستنی، تیزپایی، زندگی اجتماعی و گیاه‌خواری است. نقش شتر در آثار نگارکندها، گچبری و مهرهای دوره ساسانی به کاررفته و نماد عظمت و توانایی درسفر و شرایط سخت کویری می‌باشد. نقش گراز تجسمی از ورث‌رغن، خدای جنگ و پیروزی می‌باشد. نقش سگ در آثار گچبری و مهرهای دوره ساسانی به کاررفته و نمادی از نگاهبانی و وفاداری می‌باشد. نقش

گرگ در آثار مهرهای دوره ساسانی به کاررفته و نمادی از نیروی مخرب بوده است، و جزء جانوران اهریمنی قلمداد می‌شود. نقش فیل در آثار نگارکنند و مهرهای دوره ساسانی به کاررفته و نمادی از قدرت و حکومت و پادشاهی بوده و در مینوی خرد نماد حافظه طولانی، صبر و فهم و سعادت و زناشویی نیز می‌باشد. نقش قوچ در آثار گچبری و مهرهای دوره ساسانی به کاررفته و نمادی از آرامی، باروری، تواضع، نعمت و برکت، خورشید، نیرومندی و دانایی می‌باشد. نقش خرس در آثار مهرهای دوره ساسانی به کاررفته و نمادی از شجاعت و دلیری است و بر روی آثار ساسانی می‌تواند به صورت فلکی دب-اکبر مربوط باشد و انتخاب چنین نقشی در ارتباط با طالع بینی نجومی می‌باشد. نقش بزکوهی در نگارکندها و مهرهای دوره ساسانی بوده و نماد سرچشمه‌های آب و باوری و رویش می‌باشد. نقش عقرب در مهرها بوده و به معنای جادو و طلسم، نمادی از برج عقرب و همچنین نمادی از کیش مهر می‌باشد. نقش ماهی در نگارکندها، گچبری‌ها و مهرها بوده و نمادی از برکت و باروری و نمادی از ایزدبانو آناهیتا نیز دانسته می‌شده است. نقش اردک در مهرها بوده و نمادی از برکت و فراوانی و حاصلخیزی می‌باشد. نقش خروس در مهرها بوده و نمادی از قدرت پیش بینی، طلوع خورشید و سحرخیزی و نماد ایزد سروش می‌باشد. نقش طاووس در گچبری‌ها و مهرها بوده و نماد مرغ آناهیتا (ناهید)، ایزد آب بوده است. پرنده مقدس و نمادی از نیروی نیک و درمان‌بخش بوده و نمادی از بهشت، تولد دوباره و ابدیت است. نقش کلاغ در مهرها بوده و نمادی از ایزد بهرام و نیز نشانه‌ای از هوش و ذکاوت و سودمندی می‌باشد. نقش عقاب (شاهین) در گچبری‌ها و مهرها بوده و نماد خرد، پیک خورشید، پیام آور نیکبختی، علامت امپراطوری ایران و شاه مرغان بوده است. بال بر بدن انسان یا حیوان، علامت ایزدی و نماد قدرت محافظت است. حیوانات اسطوره‌ای در حکم موجودات نگهبان به کار می‌رفته‌اند و احتمالاً نمادی از محافظت و پاسداری بوده‌اند. در آثار باستانی ارواح بال‌دار انسان، شیر، بز، اسب، گاو و یا ترکیبی از حیوان با سر انسان فره‌وشی‌های محافظ‌اند. نقش لاماسو (گاو - مرد) در گچبری‌ها و مهرها بوده و نمادی از گوبدشاه اسطوره‌ای، که روح محافظ جانوران بوده می‌باشد. موجود اسطوره‌ای محافظ است که با بدن گاو نر و یا شیر و بال عقاب و سرانسان نشان داده شده است. نقش سیمرغ در گچبری‌ها و مهرها بوده و نماد جاودانگی، آتش، فرشته نگهبان و نماینده خدای خدایان می‌باشد. نقش قوچ بال‌دار در گچبری‌ها و مهرها بوده و نماد پیروزی می‌باشد. نقش شیر بالدار در نگارکندها و گچبری‌ها و مهرها بوده و موجود اسطوره‌ای محافظ و نماد ایزدی و نماد قدرت بوده است. نقش اسب بالدار در نگارکندها و گچبری‌ها و مهرها بوده و نمادی از محافظت و پاسداری بوده است. هنرمند دوره ساسانی در نقش‌های نمادین تمایلی به بیان واقعیت موجود ندارد بلکه هدفش پرداختن به پس پرده است. به‌طور کلی هرچه از زمان باستان به اواخر دوره‌ی ساسانی نزدیک‌تر می‌شویم، تعداد آثار با نقش مایه‌ی جانوران ترکیبی و نیز از جنبه خداگونه بودن آن‌ها کاسته می‌شود و بیشتر با اساطیر ایرانی پیوند می‌یابند. بدین ترتیب در هنرهای تزئینی، نقش مایه‌های جانوری چون گاو، اسب، قوچ و خروس و غیره از نظر فرهنگی، اقتصادی و مذهبی حائز اهمیت بسیارند. گذشته از این، آن‌ها تجلی نویدها و نعمت‌های زندگی هستند که به شکل استعاره‌های بصری بیان شده‌اند. مطمئناً بهترین و مفیدترین آفرینش‌ها در هنرهای تزئینی ساسانی تجلیل شده‌اند.

سپاسگزاری:

از جناب آقای دکتر نیکنامی و جناب آقای دکتر فیروزمندی کمال قدردانی و سپاس را دارم که همیشه با سعه صدر و بردباری پاسخگو و راهنمای اینجانب بوده اند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- گوشورون (*gos-urwan*) ایزدی است حامی جهان حیوانی و نام او به معنای روان گاو است (بهار، ۱۳۸۶: ۷۷).

منابع

- آپم پوپ، آرتور و اکرم، فیلیس، (۱۳۸۷)، *سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز*، ترجمه‌ی ناصر نوروززاده چگینی و پرویز مرزبان، جلد دوم، تهران، علمی فرهنگی.
- آقاعباسی، زهرا، (۱۳۸۹)، «نقش‌مایه‌های نویافته حوزه هلیل‌رود»، *دانشگاه شهید باهنر تهران*، شماره ۱۸، صص ۳۶-۵۴.
- اردکانی، مصباح و دادور، ابوالقاسم، (۱۳۸۷)، «نقش‌مایه زن بر روی مهرهای ایران از دوره پیش خطی تا پایان دوره ساسانی»، *پژوهش زنان*، شماره ۲۶، صص ۳۴-۴۷.
- اولانسی، دیوید، (۱۳۸۰)، *پژوهشی نو در میتراپرستی*، ترجمه‌ی مریم امینی، تهران، چشمه.
- بهار، مهرداد، (۱۳۸۶)، *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران، آگه.
- پرادا، ایدت، (۱۳۹۱)، *هنر ایران باستان (تمدن‌های پیش از اسلام)*، ترجمه‌ی یوسف مجیدزاده، چاپ چهارم، تهران، دانشگاه تهران.
- پوپ، آرتور آپم، (۱۳۸۷)، *گنجینه ساسانی: ب. پیکره‌ها در سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)*، جلد دوم، زیر نظر آرتور آپم پوپ و فیلیس اکرم، مترجمان نجف دریابندری و دیگران، تهران، علمی و فرهنگی.
- تفضلی، احمد، (۱۳۶۴)، *مینوی خرد*، تهران، توس.
- خالدیان، ستار، (۱۳۸۷)، «تاثیر هنر ساسانی بر سفال»، *باستان پژوه*، ش ۱۶، صص ۱۹-۳۰.
- خزایی، محمد، (۱۳۸۶)، «نقش نمادین طاووس در هنرهای تزئینی ایران»، *ماه هنر*، شماره ۲۱، صص ۴۳-۵۹.
- دادور، ابوالقاسم و مبینی، مهتاب، (۱۳۸۸)، «جانوران ترکیبی در هنر ایران باستان»، *دانشگاه الزهراء، تهران*.
- دادور، ابوالقاسم و منصوری، الهام، (۱۳۸۵)، «درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان»، *دانشگاه الزهراء، تهران*.
- ده پهلوان، مصطفی و فنوتای هندجانی، محمد، (۱۳۹۴)، «تأملی در برخی نقش‌مایه‌های نمادین حیوانی بر مهرها و گل‌مهرهای ساسانی (نمونه‌های مورد پژوهش: مهرها و گل‌مهرهای ساسانی موزه مقدم)»، *مطالعات باستان‌شناسی*، دوره ۷، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صص ۴۷-۶۷.
- ریاضی، محمدرضا، (۱۳۷۵)، *طرح‌ها و نقوش لباس‌ها و بافته‌های ساسانی*، تهران، گنجینه هنر.
- شوالیه، زان و گربران، آلن، (۱۳۸۴)، *فرهنگ نمادها (هفت جلدی)*، ترجمه‌ی سودابه فضالی، جلد اول، تهران، جیحون.
- طبری، محمدبن جریر، (۱۳۷۵)، *تاریخ طبری، تاریخ الرسل و الملوک*، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران، اساطیر.
- کریستین سن، آرتور، (۱۳۶۷)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه‌ی رشید یاسمی، تهران، امیرکبیر.
- کوپر، جین، (۱۳۸۷)، *نمادهای سنتی*، ترجمه‌ی ملیحه کرباسیان، تهران، فرشاد.
- کوروجی کویاجی، جهانگیر، (۱۳۸۰)، *بنیادهای اسطوره و حماسه ایران*، ترجمه‌ی جلیل دوست‌خواه، تهران، آگه.
- گوبل، روبرت، (۱۳۸۴)، *گل‌مهرهای تخت سلیمان؛ جستاری در مهرشناسی اواخر ساسانی*، ترجمه‌ی فرامرز نجد سمیعی، تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پایگاه پژوهشی تخت سلیمان.
- گیرشمن، رومن، (۱۳۹۰)، *هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی*، تهران، علمی فرهنگی.
- لوکونین، ولادیمیر گریگوریچ، (۱۳۶۵)، *تمدن ایران ساسانی*، ترجمه‌ی رضا عنایت‌الله، تهران، علمی فرهنگی.
- موسوی حاجی، سیدرسول و سرافراز، علی اکبر، (دردست چاپ)، *نقش برجسته‌های ساسانی*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- هارپر، پروندس، (۱۳۶۹)، *گزرگاو سر در ایران پیش از اسلام*، ترجمه‌ی امید ملاک بهبهانی، چاپ هفتم، تهران، فرهنگ.

هال، جیمز، (۱۳۸۰)، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، تهران، فرهنگ معاصر.

هینلز، جان، (۱۳۹۱)، شناخت اساطیر ایران، ترجمه‌ی ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، چشمه.

Bivar. A. D. H. 1972. "Cavalry Equipment and Tactics on the Euphrates Frontier". *Dumbarton Oaks Papers*. 26. pp. 273- 291.

Bivar. A. D. H. 1969. "Catalogue of the Western Asiatic seals in the British Museum". *Stamp Seals. II: The Sasanian Dynasty*. London.

Brunner. Christopher j. 1980. "Sasanian seals in the moor Collection: Motive and Meaning in some Popular Subject. the Metropolitan Museum of Art is Collaborating with Jstor to Digitize", *Preserv, Extend Access to Metropolitan Museum Journal*: 28-42.

Fukai. S. and Horiuchi. K. 1969. *Taq -i- Bustan I*. the Tokyo University Iraq – Iran Archaeological Expedition Report 10. Tokyo.

Göbl. R. 1976. *Die Tonbullen Vom Tackt – E Suleiman: ein Beitrag zur spätsasanidischen sphragistik. Tacht-E Suleiman . Bd. 1*. Berlin: D. Reimer

Ghirshman. R. 1962. *L. art del Iran/ Parthes et Sassanides*. Paris.

Grabar. O. 1967. *Sasanian silver: late antique and early mediaeval arts of luxury from Iran*. Ann Arbor.

Haff. D. 1987. *Technological Observations on Clay Bullae from Takht- I Soleiman, Mesopotamia*. vol 22

Tanabe. K. 1985. "Date And Significance of the So- Called Investiture of Ardashir II and the Images of the Shapur II and Shapur III at Tag- I Bustan". *Orient XXI*. pp. 102- 116.

Tanabe. K. 1990. "A Kushano- Sasanian Silver Flate Relation to Art of Gandhara". *Orient*. 25. pp. 51- 80.

Thompson. D. 1976. *Stucco from Chal Tarkhan Eshqabad near Ray*. Warminster. Arisa Phillips Ltd. pl. X.

Trümpelmann. L. 1975. "Triumph über Julian Apostata, *Jahrbuch für Numismatik und Geldgeschichte*". Vol. 25. pp. 107- 111.

سایت‌ها:

<http://www.Grifterrec.com>

<http://www.Sigilla.at/HtmlEn/index.html>